

مخاطره (جا.ش / فر.ش/ تدبیر و سیاست)

مخاطره (جا.ش / ف.ش / تدبیر و سیاست) نگرانی و دلواپسی درباره کژکارکردهای یک امر پسندیده و همچنین وقوع آسیب های جانبی یک پدیده است. برای مخاطره آمیز شدن، *احتمال عقلایی* (و نه روانشناختی) کافی است. مثلاً مخاطره «ثروتمند بودن»، «تکبر و فراموشی یاد خدای سبحان» است. مخاطره «تماشای زیاد تلویزیون»، «تنبل شدن کرتکس مغز» و مخاطره «عبور از خیابان»، «احتمال برخورد با خودرو» و مخاطره «خلوت با نامحرم» در «گناه افتادن» و مخاطره «رها کردن پول در پیاده رو»، «دزدیده شدن» است. بنابراین نمی توان گفت «مخاطره رفتن میان آتش»، «سوختن» است؛ زیرا سوختن، معلول «رفتن میان آتش» است و نه مخاطره آن. مخاطرات در محیط اقتضائات متراکم معنادار می شوند. در سیستم زبان، بناچار معانی متشابه بوجود می آید، خطاکردن در مفاهیمات به علت مواجهه مداوم ما با متشابهات کلامی، یک مخاطره و افاده های متشابه، یک کژکارکرد برای زبان است.

«مخاطره» به ما می گوید آسیب شناسی کن و از کژکارکردهای پدیده ها اجتناب نما. از آنجا که مخاطرات عقلایی، منشاء احکام جامعه شناختی و فقهی-حقوقی و... هستند برای جامعه شناس و... بسیار اهمیت دارند. کژکارکرد غیر از «تالی فاسد» است و باید آن را کنترل و اصلاح کرد. در دنیای مادی خیلی از کارکردها قرین کژکارکردند و موجب مخاطراتی براسی عقاء می شوند.



قناعت و زهد می تواند کثر فهمیده شده و مایه کور شدن ذهن و جان شود، حتی میان نخبگان و تابعین آن ها، غلبه خلوت برای امحاء خواطر و پرداختن به درون و غفلت از آفاق، توش و توان عالم دین را برای فهم و تصرف در آفاق ناچیز می کند و این است که جوامع اسلامی وظایف اجتماعی و توجه و تصرف در عالم آفاق دور افتاده اند. در صنعت و تکنولوژی، تولید و تجارت، دانش و دانشگاه، پویایی و قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عقب افتاده اند (عقب افتادن، به معنای نبود عزتمندی تام و کامل مسلمین است. نه اینکه فقط سری در سرها داشته باشند) این جوامع، در خلوت ورزی خود ساخته خود دچار آلودگی تنبلی و رکود و اهمالگری هم می شوند و در خود خشکه مقدس هایی را پرورش می دهد که همه جا اسباب دردسرنده.

۹ پیوند مرتبط

اقتضاء متراکم